



هژمونی در سیاست و روابط بین الملل از
نظریه تا عمل

ترجمه: دکتر ناصر توابع

دکتر علیرضا رستمی

صدیقه زارع

ویراستار: روح الله سلطانیان

برشنامه	:	ترابی، قاسم، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	هژمونی در سیاست و روابط بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل / تألیف قاسم ترابی، علیرضا رضایی، صدیقه زارع.
مشخصات نشر	:	همدان: دانشگاه آزاد اسلامی (همدان)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۲ص: جدول.
شابک	:	978-964-1027-49-2
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	واژه‌نامه.
یادداشت	:	کتابنامه‌نماید.
موضوع	:	هژمونی -- ایالات متحده
موضوع	:	ایالات متحده -- سیاست و حکومت
موضوع	:	ایالات متحده -- اوضاع اجتماعی
موضوع	:	ایالات متحده -- روابط خارجی
نام‌برده	:	رضایی، علیرضا، ۱۳۵۶ -
شناسه افزوده	:	زارع، صدیقه، ۱۳۶۰ -
شناسه افزودن	:	د. بهار آزاد اسلامی، واحد همدان
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۱۲/ت ۴۵۴ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	:	۳۲۰ ۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۴۱ ۳

هژمونی در سیاست و روابط بین‌الملل: از نظریه تا عمل

تألیف: قاسم ترابی، علیرضا رضایی، صدیقه زارع

طرح و اجرای جلد: دکتر حسین اردلانی

ناظر چاپ: ساسان مرشدزادگان

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تندیس

شابک: 978-964-1027-49-2

حق چاپ برای دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان محفوظ است

نشانی: همدان، شهرک مدنی، بلوار امام خمینی، بلوار پروفیسور موسیوند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

تلفن: ۰۸۱ - ۳۴۴۹۴۰۰۱-۹

فهرست مطالب :

مقدمه:

بخش اول: تبارشناسی مفهوم هژمونی

فصل اول: مفاهیم اصلی در نظریه هژمونی

فصل دوم: هژمونی در متن پیش از زندان

فصل سوم: هژمونی: منابع سیاسی و زبان شناختی برای مفهوم هژمونی گرامشی

فصل چهارم: هژمونی و شرح و بسط فرایند زیردستی

فصل پنجم: هژمونی در ادبیات روابط بین الملل

بخش دوم: هژمونی و ضد هژمونی در عرصه روابط بین الملل

فصل اول: ادوات تکنیک گایی موثر در عرصه نظام بین الملل

فصل دوم: ائتلاف شرق و غرب در برابر ایالات متحده امریکا، موانع پیش رو

نتیجه گیری

فهرست مطالب

فهرست جداول:

جدول شماره ۱: چارچوب مفهومی

جدول شماره ۲- معانی سه گانه هژمونی و تنویرهای روابط بین الملل

جدول شماره ۳- میزان سهم کشورهای مختلف از تولید جهانی

جدول شماره ۴- میزان سهم کشورهای مختلف از صادرات جهانی

جدول شماره ۵- میزان سهم کشورهای مختلف از صادرات جهانی

جدول شماره ۶- میزان سهم کشورهای مختلف از واردات جهانی

جدول شماره ۷- میزان سهم کشورهای مختلف از صادرات جهانی ۲۰۱۲

جدول شماره ۸- مقایسه سهم هزینه های نظامی کشورهای مختلف از هزینه های نظامی جهان

جدول شماره ۹- میزان هزینه های نظامی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۰

جدول شماره ۱۰- نیروی هسته ای جهان در سال ۲۰۱۲

مقدمه

قرن بیستم می‌تواند به قرن شگفتی‌های جهان سیاست تشبیه کرد. شروع این قرن با تحولات عظیمی همراه بود. از آن زمان در این قرن جنگ جهانی اول جهان را به کام نیستی و ویرانی کشید؛ بحران‌های عظیم اقتصادی دهه ۲۰ و ۳۰ رمق اقتصاد جهان را گرفت و باعث تشکیل حکومت‌های فاشیستی بر سر کار شد. جنگ زده گردید. سپس پس از دو دهه اروپا وارد جنگ دیگری شد که عملاً محویت جهان را به هم زده و باعث نابودی هر چه بیشتر این قاره گردید. از فردای پایان جنگ جهانی دوم، جهان سیاست با ابرقدرتی به نام ایالات متحده آمریکا روبرو شد. آن کشور پیروز واقعی جنگ جهانی بود، پس از پایان جنگ شروع به ساخت عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین زیرساختی و نهادسازی در عرصه بین المللی نمود و نظام لیبرال دموکراسی (سرمایه داری) را از آن زمان به بعد به بیشتر جهان منتشر ساخت.

این دوره که همراه با خیزش ابرقدرت دیگری به نام اتحاد جماهیر شوروی و ظهور جهان را وارد عصر تازه‌ای کرد؛ عصر جنگ سرد. در طول جنگ سرد آمریکا و شوروی یکدیگر را مهار می‌نمودند و با ایجاد بلوک‌های نظامی (ناتو و ورشو) تقسیم جهان را به دو اردوگاه سرمایه‌داری و کمونیستی میسر ساختند. پویایی و مقبولیت اردوگاه غرب به رهبری آمریکا شرایطی را ایجاد کرد که نظریه پردازان روابط بین‌الملل را در شرایطی قرار داد که هژمونی ایالات متحده آمریکا را تنویریه کنند. شروع این کار در اوایل دهه ۷۰ میلادی صورت گرفت و چارلز کیندلبرگر جهانی را متصور شد که در آن تنها یک ابر قدرت و فقط یک ابر قدرت ثبات دهنده نظام بود. بدیهی است که منظور کیندلبرگر تنها ایالات متحده آمریکا بود.

در نهایت مسابقه نظامی و مشکلات ساختاری و ایدئولوژیک عظیم شوروی، عملاً شرایطی را بوجود آورد که رهبران کرملین راهی جز تغییر در کلیه اصول خود نمی‌دیدند. بنابراین در یک اقدام یکجانبه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تن در نهادند. به مانند کلیه تغییرات در توزیع قدرت که در طول تاریخ شاهد آن بودیم، کشوری که قدرتمندترین کشورها بود برنده این فروپاشی و انکسار قدرت بود و هژمونی ایالات متحده آمریکا از فردای پایان جنگ سرد و پایان دو قطبی با قدرت بیشتری آغاز گشت. تنها ابرقدرت در محیطی بی‌رقیب شروع به تاخت و تاز کرد و اولین جولانگاه آن عراق بود که کویت را در ۲ اوت ۱۹۹۰ به اشغال در آورده بود. تنها نیروی که می‌توانست با این تهاجم به مقابله برخیزد ایالات متحده آمریکا بود که در نبردی نابرابر توانست کشور کویت را از اشغال عراق نجات دهد. در ادامه در سراسر دهه ۹۰ شاهد یکپارچه شدن ایالات متحده آمریکا در مناطق مختلف جهان (یوگسلاوی، بوسنی، کوزوو، افغانستان، عراق و...) و مساعی مختلف (اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی) بودیم و هیچ نیرویی یارای مقابله با قدرت بی‌پایان آن کشور را نداشت.

این روند با روی کارآمدن جرج بوش قدرت و حدت بیشتری گرفت. نومحافظه‌کاران به شکل کلی بر این باور بوده و هستند که ایالات متحده آمریکا همچنان بزرگترین قدرت جهان است، بنابراین باید قدرت و توانایی خود را به دیگر جهانیان یکشد و به تنهایی مدیریت جهان را بر عهده داشته باشد. آنها باور چندانی به سایر قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ندارند و بر این باورند که آمریکا باید به شکل یکجانبه و با توسل به قدرت نظامی بدون بدیلش جهان را مطابق منافع خود شکل دهد. با وقوع ۱۱ سپتامبر عملاً برای عینیت یافتن این دیدگاه‌ها و نظرات نومحافظه‌کاران در عرصه سیاست خارجی آمریکا مهیا شد. به این ترتیب ۱۱ سپتامبر شرایط را برای تحقق دیدگاه‌ها و رویکردهای نومحافظه‌کاران مهیا نمود و منافع آنها را ایجاد نمود که برخی از کارشناسان از آن تحت عنوان «لحظه تک‌قطبی»^۱ یاد کردند. در حال حاضر آمریکا در زمان بوش تلاش نمود که هژمونی و قدرت خود را در عرصه نظامی و سیاسی با توجه به شرایط پیش آمده مهیا سازد. در این دوران آمریکا بدون مجوز سازمان ملل و علی‌رغم مخالفت آلمان، فرانسه، روسیه و چین و بسیاری از کشورهای دیگر به عراق حمله نمود تا نشان دهد

^۱ - Unipolar Moment

که همچنان تنها ابرقدرت است. با اینکه کشورهای جهان نتوانستند مانع از حمله امریکا به عراق شوند، با این وجود شرایط عراق و افغانستان نشان داد که حتی تنها ابرقدرت با یکجانبه‌گرایی و نادیده گرفتن سازمان ملل نمی‌تواند دست به هر اقدامی بزند. بنابراین هرچند قدرتی در مقابل امریکا وجود نداشت تا مانع از اقدامات این کشور شود، اما حوادث عراق و افغانستان نشان داد که حتی تنها ابرقدرت برای مدیریت مسائل پیچیده جهان امروز به سربلین نیاز دارد.

یكجه بین شرایط رای مردم امریکا به چندجانبه‌گرایی و احترام به سازمان‌های بین‌المللی و انتساب باراک اوباما بود که منتهی به تغییرات در سیاست خارجی امریکا و روی آوردن به سیاست چندجانبه‌گرایی شد. با این وجود تغییرات در سیاست خارجی امریکا نمی‌تواند واقعیت قدرت این کشور را پنهان کند. واقعیت آنست که امریکا همچنان تنها ابرقدرت است و سایر کشورها توانایی مقابله با قدرت این کشور در عرصه جهانی را ندارند. به تعبیر دیگر با نگاه واقع‌گرایانه امریکا همچنان نقش هژمون را در سطح جهان ایفا می‌کند و همچنان ائتلاف ضد هژمونیکی در برابر آن شکل گرفته است. این در شرایطی است که در سطح نظری چنین شرایطی موقت محسوب می‌شود و در نهایت در هژمونی با ائتلاف ضد هژمونیکی مواجه خواهد شد. بنابراین سوال بسیار مهمی که در این جا مطرح می‌شود این سوال است: چرا در مقابل هژمونی ایالات متحده امریکا تاکنون ائتلاف ضد هژمونی شکل نگرفته است؟

در این کتاب تلاش ما بر آن است تا ضمن تشریح هرزومنی ایالات متحده امریکا پس از جنگ سرد و تبیین نقاط قوت و ضعف آن، به این مسئله بپردازیم که چرا به علاوه سایر امپراطوری‌ها، اتحادیهایی برای مقابله با نیروی سرکش و یکجانبه‌گرای ایالات متحده آمریکا پدید نیامده و این کشور کم و بیش به بیشتر خواسته‌هایش دست می‌یابد و بازیگران بین‌المللی (دولتها، سازمانهای بین‌المللی و افراد) در جهت مقابله عملی و ایجاد یک ضداتحاد برنیامدند. برای پاسخ به این سوال اصلی، سوالات دیگری نیز باید پاسخ داده شوند. در واقع سوالات زیر مهم‌ترین سوالاتی هستند که کتاب حاضر با هدف پاسخ‌دهی به آنها نوشته شده است.

۱. هژمونی در ادبیات تنوریک علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به چه معنا است؟
۲. گرامشی چه نقشی در گسترش این مفهوم در عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل داشته است؟

۳. سابقه و ریشه این کلمه از کجا سرچشمه گرفته و چه رویکردهای نظری نسبت به آن وجود دارد؟
۴. مفهوم هژمونی طی چند دهه گذشته چه تحولات نظری داشته است؟
۵. چرا امریکا بعد از جنگ جهانی دوم در نقش یک هژمون در عرصه جهانی حضور یافت؟
۶. چرا برخلاف پیش بینی‌ها، ژاپن تبدیل به یک ابر قدرت اقتصادی در دهه ۹۰ نگشت و از طرفی آلمان نیز به عنوان ابر قدرتی نوپا ظهور نکرد تا هر دو قدرت، ایالات متحده امریکا را به چالش بکشند؟
۷. چرا قدرت امریکا از طرف اروپای متحد (اتحادیه اروپا) و آسیای شرقی به چالش برده نشد و اتحادیهایی در آن مناطق بر علیه هژمونی ایالات متحده صورت نگرفت؟
۸. چرا اتحادیه اسکندریه روسیه و چین در جهت مقابله با هژمونی امریکا بوجود نیامد؟
۹. چرا حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر که شوکی عظیم را بر پیکر ایالات متحده وارد ساخت از طرف کلیه کشورهای رقیب و قدرتمند ایالات متحده امریکا مورد تایید قرار نگرفت و کلیه جهان بر مبنای اقدامات ضد تروریستی امریکا بپا خواستند؟
۱۰. حمله به افغانستان و نهایتاً به عراق که شاهراغ اقتصاد جهان را در تسخیر ایالات متحده امریکا قرار داد، چگونه توسط سایر کشورها مقابله و تشکیل اتحاد ضد هژمونیک موثر روبرو نگشت؟

برای پاسخ به سوالات فوق، کتاب حاضر مشتمل بر دو بخش کلی می‌شود که هر کدام دربرگیرنده چند فصل هستند. در بخش اول بیشتر مباحث تئوریک مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده تا با جزئیات مفهوم هژمونی از حیث نظری مورد بررسی قرار گیرد. طرح مباحث نظری از این حیث ضروری است که بدون درک عمیق مفهوم هژمون که به تفکرات گرامشی ایتالیایی برمی‌گردد، نمی‌توان درک روشنی از مفهوم و مصادیق هژمونی در عرصه

روابط بین‌الملل داشت. به همین دلیل در این بخش تلاش شده تا جای ممکن در سطح نظری، مفهوم هژمونی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. بخش اول مشتمل بر پنج فصل با عناوین «مفاهیم اصلی در نظریه هژمونی»، «هژمونی در متن پیش از زندان»، «هژمونی: منابع سیاسی و زبان شناختی برای مفهوم هژمونی گرامشی»، «هژمونی و شرح و بسط فرایند زیردست» و «هژمونی در ادبیات روابط بین‌الملل» می‌شود. چهار فصل اول این بخش ترجمه بخشی از کتاب «هژمونی: مطالعاتی در مورد اجماع و اجبار»^۱ است، اما از فصل پنجم به بعد تمامی اصول و مبانی هژمونی مرعوف می‌باشد. این فصل به شکلی طراحی شده است که زمینه را برای ورود به مباحث عمده که در اصول می‌آیند هموار سازد. در این فصل در مورد هژمونیک گرایی امریکا در عرصه نظام بین‌الملل بحث شده است. همچنین در این فصل به تبیین مفهوم لغوی و نظری هژمونی در ادبیات تاریک روابط بین‌الملل خواهیم پرداخت. سپس با توجه به چارچوب نظری به بررسی و تحلیل هژمونیک گرایی ایالات متحده امریکا با تمرکز بر نظام بین‌الملل پساجنگ سرد پرداخته خواهد شد. بخش دوم نیز خود مشتمل بر چند فصل است. فصل اول از این بخش در مورد ضد هژمونیک‌گرایی موثر در عرصه نظام بین‌الملل است. در این فصل ضمن تشریح ابعاد مختلف شباهت‌ها و تفاوت‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایالات متحده با سایر کشورها بر مبنای مطالعات منطقه‌ای، تلاش در پاسخ به این سوال وجود دارد که در خصوص رفتارشناسی سیاسی سایر بازیگران مطرح در نظام بین‌الملل نظیر اتحادیه اروپا، روسیه، چین، کشورهای درحال توسعه و جمهوری اسلامی ایران، رفتار این بازیگران در برابر هژمونی ایالات متحده امریکا، چگونه می‌توان تبیین کرد. به همین جهت در این فصل به بررسی یکایک بازیگران مذکور در برابر هژمونی ایالات متحده مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فصل دوم این بخش در مورد علل عدم شکل‌گیری ائتلاف ضد هژمونیک در برابر ایالات متحده امریکا است. در این فصل تلاش می‌شود تا علل عدم شکل‌گیری ائتلاف ضد هژمونیک

^۱ - Richard Howson and Kylie Smith, *Hegemony Studies in Consensus and Coercion*, Routledge, 2008.

موثر در برابر هژمونی ایالات متحده امریکا را در دو حوزه مورد تبیین قرار دهیم. نخست عوامل مرتبط با کشور ایالات متحده امریکا و عواملی نظیر الف) تمرکز بنیادین عوامل قدرت (اقتصادی، نظامی، سیاسی، تکنولوژیکی و فرهنگی؛ ب) دوری جغرافیایی و غیر تهدیدآمیز بودن هژمونی برای سایر قدرتهای بزرگ؛ ج) استفاده از سیاست‌های تهدید، تطمیع و فریب. دوم عوامل مرتبط با رقبای ایالات متحده امریکا و عواملی نظیر الف) توسل به منافع زودگذر مادی ناشی از رابطه با قدرت هژمون؛ ب) عدم توانایی در ایجاد موازنه سخت؛ ج) افزایش سایه ایدئولوژیک، نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با امریکا.

نهایت بحث آخر اختصاص به نتیجه گیری و بررسی آینده هژمونی امریکا دارد. در این فصل هم پرداختم به چارچوبی تئوریک از چگونگی پیدایش و خیزش ایالات متحده به عنوان یک قدرت هژمون. به این سوال پاسخ داده خواهد شده که آیا هژمونی آن کشور استمرار می‌یابد و یا در نهایت به اولی خواهد کشید و جهان شاهد نظامی با شرایطی مثل توازن قوا، چند قطبی یا حکومت داری جهانی خواهد بود یا هژمونی آن کشور چنان مستحکم است که از طرف سایر قدرتهای بزرگ و درج دوم حمایت شده و در واقع به مثابه یک کالای همگانی موجب ثبات نظام و رضایت بازیگران حاشیه بین‌الملل می‌گردد.